



۲۰۱۴/۱۱/۲۱

دوست محمد

قابل توجه استاد بزرگوار جناب داکتر سید خلیل الله هاشمیان

از نوشته های زبان شناس افغانستان عزیز و خدمت گزار آن داکتر صاحب هاشمیان، همیشه استفاده می کنم. مدتی بود از ایشان چیزی نخوانده بودم و این مقاله مفید اخیر شان تحت عنوان «اخطار آقای فارانی بجا و قابل تأیید است» را با اشتیاق تمام خواندم .

من باید بگویم به زبان پشتو در مکتب لیلیه پامیر درس خوانده ام. استاد "سراج وهاج" مدیر مسؤول روزنامه (بدخشان) از مکتب لیلیه فیض آباد که بعداً به لیسه ارتقاء کرد و به نام لیسه پامیر مسمی گردید، آشنا هستند و شاید در آن مکتب درس هم می دادند و شاگردان آن متوسطه برای درس لیسه در لیسه رحمان بابا یا لیسه خوشحال خان شامل می شدند. تا اینکه در زمان جمهوریت محمد داود خان مرحومی، زبان درسی ما به زبان فارسی تبدیل گردید . ما در لیلیه سه زبانه بودیم: ازبکی، فارسی و پشتو.

متعلمان از قریه های دور مکتب های دهاتی از یک زبان به فیض می آمدند. مثلی که استاد هاشمیان نوشته می کنند (همین دو زبانه بودن یک غنیمت بزرگ است برای جلوگیری از جدا شدن زبان پشتو و دری) و همچنان می نویسند (تعداد کلمات عاریت شده از زبان دری در زبان پشتو، چهار برابر کلماتی است که از پشتو به دری وام گیری شده است.) شاید دقیق این باشد این کلمات چهار برابر زبان عربی است که در هر دو زبان به گونه مشترک وجود دارد.

ستاد هاشمیان (جلوگیری از جدا شدن زبان پشتو و دری) را غنیمت بزرگ خوانده اند، هر افغان با وجدان این امر را در تمام زبان های افغانستان (غنیمت بزرگ) می داند. اگر از یک های افغانستان صدراعظم را باش بکان بگویند و پشتون های لومړی وزیر و دری زبان ها نخست وزیر و بلوچ ها هم می توانند هم برای (صدر) کلمه دلخواه شان را در زبان غنی شان پیدا کنند و هم کلمه مناسب بلوچی را برای کلمه (اعظم).

اما در این چهل پنجاه سال اخیر متأسفانه کلمات مشترک عربی در زبان پشتو بیشتر، تغییر یافته است؛ نه در زبان دری.

در عربی ستیزی فارس ها شکی نیست. از زمانی که سعد بن ابو وقاص فارس را در زمان حضرت عمر فتح کرد دشمنی با بان عربی و حضرت عمر شروع شد. اما در افغانستان عزیز ما این امر عربی ستیزی محسوس است .

من نمی دانم که استاد هاشمیان آیا مقالات و کتاب هایی را از نویسندگان جدید به زبان پشتو مطالعه می کنند آیا خبر ها را تعقیب می کنند، به همان اندازه که تلویزیون ها ایران زده شده اند، کسانی که در بخش پشتوی خبرها کار می کنند، کوشش می کنند برای هر کلمه به جرم اینکه عربی است یا از طریق زبان دری به زبان پشتو وارد شده است؛ آنرا به پشتو ترجمه می کنند.

مثال های برجسته اش را تکرار می کنم. در تلویزیون ملی ولس مشر می گویند نه رئیس جمهور که هر دوی عربی است و ازبک و دری زبان و بلوچ رئیس جمهور می گوید. سال میلادی را در پشتو (زیژدیز کال) می گویند. هدف را، موخه. فکر را (اند) و روشن فکر را (رون اند) حتی همین حمل و ثور و جوزای عربی به (وری، غوایی، غیرگولی) تبدیل شده است .

استاد هاشمیان بفرمایند بگویند که وزارت فواید عامه همه اش عربی است به همه زبان ها وزارت فواید عامه گفته می شود؛ اما در پشتو در یک دو سال اخیر (د تولگتو وزارت) وزارت داخله و خارجه از آغاز تأسیس در زبان دری داخله و خارجه است و هر دوی آن عربی؛ اما در پشتو در یک مرحله (د ننیو چارو وزارت و باندنیو چارو

وزارت) و بعد ها به (د کورنیو چارو وزارت و بهرنیو چارو وزارت) تغییر یافت. پیش چشمان ما کسانی که از ۶۰ سال بالاتر عمر داریم. فاجعه اورگون را که همه شاهد بودیم. اورگونی آن پشتون اصیل و آزاده و دشمن بیگانه با اشک و آه گریان می کرد که :

مونر شفاخانه نلرو مونر مکتب نلرو، نه روغتون می گفت و نه هم شونخی. در باریک آب بدخشان هم کس بیمارستان و مدرسه نمی گفت.

خواهش من از استاد بزرگوار هاشمیان این است که به ادیبان و نویسندگان زبان پشتو نصیحت پدرا نه کند، برای اینکه کتاب های زبان پشتو در کوه های پامیر و غوروات و دره های سمنگان خوانده شود، به همان زبانی بنویسند که "قیام الدین خادم"، "علامه حبیبی"، "عبدالرؤف بینوا"، "سلیمان لایق"، "محمد گل مومند"، "رشتین" و "سعید افغانی" می نوشت. زیرا آنچه جدیداً به پشتو نوشته می شود مثل پشتوی زبان شناس مشهور استاد "زیار"، برای پشتون ها هم قابل استفاده نیست و به اصطلاح استاد هاشمیان (مخبره به صورت کامل صورت نمی گیرد). مثلاً تحلیل را می گویند شنی. و کلمات دیگری که بی. بی. سی. می سازد و دیگران آن را به کار می برند که ریشه شان معلوم نیست. مثل همین (ترهگر) که ترخگر، تلفظ می کنند و من که بیش از ۴۰ سال به خدا قسم به زبان پشتو کتاب می خوانم، ریشه اش را نمی دانم که چه معنی می دهد و مشتقات آن چیست؟ حتی کار به جایی رسیده است که کلیات شاعر بزرگ خوشحال خان را چاپ کرده اند و او را (خوشال) نوشته اند. حتی در تمام اشعارش که آن مرحوم نام خود را (خوشحال) نوشته بود؛ در چاپ جدید (به خوشال) تغییر داده اند.

آیا این ضربه به فرهنگ غنی پشتو نیست، یا می خواهند که زبان پشتو فقط میان ۷۰۰-۸۰۰ نویسنده قابل استفاده باشد و آنرا اگر در دره پیچ کنر در مسجدی بخوانند، کسی نفهمد که نویسنده چه گفته است و ... آیا در کنر کسی چورلکه را می شناسد، همان کنری مجاهدی که ۱۰ هلیکوپتر دشمن را سقوط داده است.

در این کار زبان پشتو زیان می کند؛ اما شاید عده ای خود غرض راضی گردند که من کلمات عربی یا زبان دیگر را به کار نمی برم و افتخار هم کند؛ مثل بانویی به نام سعید شاعره افغان در امریکا که می کوشد کلمات عربی را در شعرش به کار نبرد. همان شاعری که سروده است: (بیا مرا بتراش) کسی از او خواسته بود اول همین (سعید) را دور کن و بعد برای من مثلث متساوی الاضلاع و زاویه منفرجه و حاده و رباعی و غزل و قصیده را به فارسی ترجمه کن.

درد دل بسیار است، استاد هاشمیان باید به نسل نو افغانستان رهنمایی کند و خطر خدا ناخواسته نابودی زبان پشتو نمی گویم؛ اما خطر جدی ای که زبان پشتو را با نو آوری های جدید و ایجاد لغت های جدید، تهدید می کند استفاده از این زبان را حتی در میان پشتو زبان ها تقلیل می بخشد.

طور مثال، کتاب های "استاد حبیبی"، "پروفیسر عبدالله خدمتگار" و "عبدالباری غیرت" و "مولوی محمود رسوال"، "زمرک عابد"، "محمد زمان مزمل"، "قریب الرحمن سعید" و "مولانا سرفراز"، "مولوی خالص"، "پوهاند غلام محمد نیازی" (در چند اثر محدودش) "انجنیر حکمتیار"، "سیف الرحمن سیفی"، "مولانا معتمد شنواری"، "مولانا سیلاب صافی"، "پوهاند عبدالرزاق نریوال"، "استاد حبیب الله رفیع"، "مولانا محمد گلاب بشار" و "محمد حسن ولسمل" را می خوانم استفاده می کنم و هیچ مشکلی ندارم؛

اما تا همین لحظه از نوشته های استاد "مجاور احمد زیار" استفاده درست نکرده ام زیرا در یک صفحه به بیست مشکل بر می خورم. این مشکل بسیار عمیق است و کسی از ترس اینکه تاپه متعصب بودن نخورد، نمی تواند آن را مطرح کند؛

اما برای یک از یک پشتو و تاجیکی، زبان دو برادر است. اما نظر شخصیتی مثل استاد هاشمیان برای همه مرجع و مأخذ است و قابل پذیرش از طرف شاگردان و غیر شاگردان!.

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ